

بررسی ساختار سیاست ورزی مبتنی بر دین در دوران شاه عباس صفوی

چکیده

هدف این مقاله ؛ بررسی تاثیر ساختارهای ارزشی و مذهبی در سیاست های حکومت شاه عباس صفوی و نسبت سنجی با آن است.

روش پژوهش رساله حاضر، مبتنی بر تحلیل تاریخی - اجتماعی و پژوهشی بر اساس داده های کتابخانه ای و اسنادی است که بر اساس آن ظرفیت های تاریخی مورد نظر تحلیل خواهد شد. این داده ها سعی در بررسی اسناد دسته اول دوران شاه عباس صفوی دارد و روش تحلیل جامعه شناسی تاریخی که بر اساس تاثیرگذاری و تاثیرپذیری جامعه و حاکمیت مبتنی بر بستر تاریخی مدنظر قرار دارد، زمینه های دستیابی به داده ها و یافته ها را فراهم می نماید.

یافته های رساله حاضر حاکی از آن است که ارزش های دینی به عنوان مبانی اصیل و ساختار زیربنایی سیاست های کلان و راهبردی عصر شاه عباس صفوی عمل کرده اند. این ارزش ها نه تنها به عنوان چارچوبی نظری در تدوین استراتژی های حکومتی نقش آفرینی نموده اند، بلکه در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز تجلیات عینی و ملموسی داشته اند و در عین حال به مثابه عاملی تعیین کننده در شکل دهی به نموده های عینی حکمرانی مورد توجه بوده است.

کلید واژه: شاه عباس، سیاست دینی ، تشیع، دولت صفوی، تاریخ اجتماعی

بیان مسئله

نگاه به مذهب در دوران صفویان، نگاهی ساختاری است و بررسی سیاست های کلان در این حوزه نیز با رویکرد ساختاری امکان پذیر است. از سوی دیگران پادشاهان صفوی در دوران های مختلف حاکمیت خود سعی بر نشان دادن ارادت خالصانه یا به معنای دیگر نزدیک تر بودن به منبع مشروعیت الهی داشتند و این مسئله ظرفیت تصمیم سازی بر اساس مذهب در عمق راهبردی حکومت صفویان را بیش از پیش به تصویر می کشد. در میان پادشاهان صفوی از بدو تاسیس تا پایان آن، شاه عباس اول به عنوان نماد اقتدار و حکمرانی مستقل شناخته می شود. این پادشاه که رابطه خوبی با علمای جبل عامل و مروجان مذهب شیعه داشت، زمینه رقابت راهبردی با عثمانیان را در برجسته سازی هویت دینی می دانست و از سوی دیگر کنشگری سیاسی خود را بر این مدار ترتیب می داد. در حقیقت نفوذ ساختاری رویکرد مذهبی ولو نمادین در عصر پادشاهی شاه عباس صفوی، نمودار کنشگری فعالانه ارزش های مذهبی در زیرساخت های سیاسی حکومت و جامعه بوده است.

سیاست های کلان حکومت صفوی از بطن جامعه ایرانی تا جنگ و دفاع را در بر می گیرد و همین مسئله می تواند مدل تحلیلی ویژه ای را از تاثیرگذاری نهادهای ارزشی در بطن اداره یک جامعه به تصویر بکشد. این مسئله اما با روشی ساختاری و زیربنایی امکان پذیر است. در حقیقت کنشگری فعال مذهب در دوران صفوی باعث تولید زیرساخت هایی شده است که بر اساس آن سیاست در دوران پس از شاه عباس نیز متاثر گردیده است و اهمیت این پژوهش از جایی است که بررسی ساختارمند تاثیرگذاری ارزش های دینی در سیاست های کلان عصر شاه عباس می تواند تکلیف نگاه به دوران های پس از آن را روشن سازد و تاثیر و تاثرات متقابل جامعه و حکومت را به تصویر بکشد.

پرسش های که در این پژوهش به آنها پرداخته خواهد شد شامل ۱: ارزش های دینی با چه ساختاری در سیاست های کلان دوران شاه عباس صفوی نمود و تجلی بیرونی داشتند؟ ۲. ارزش های دینی چگونه به مثابه ایدئولوژی در عصر صفوی کنشگری داشتند؟ ۳. شاه عباس صفوی با چه رویکردی سیاست های دینی را تدوین و اجرا می نمود؟ ۴. جایگاه علمای دینی، بخصوص علمای جبل عامل در ساخت سیاست های کلان دینی عصر صفوی چگونه است؟ ۵. سیاست خارجی شاه عباس صفوی چه تاثیری در جایگاه یابی ارزش های دینی در سیاست های کلان داشته است؟ فرض براین است که ارزش های دینی به مثابه گزاره های بنیادین و بنحو ساختاری در سیاست های کلان عصر شاه عباس اول صفوی بروز و ظهور داشته است. سیاست رقابت با عثمانی و نفوذ علمای جبل عامل بنیان اصلی تکیه بر سیاست گذاری ارزشی بوده است. و ارزش های دینی زمینه ساز تشکیل و تداوم حاکمیت صفوی و تفوق آن بر جامعه عصر خود است.

روند حکومت صفویان و شاه عباس صفوی نشان می دهد که کنش های میدانی این حاکمیت بر اساس ارزش های مذهبی بنا شده است. چرا که مقابله با نیروهای آلترناتیوی چون عثمانیان و همچنین گسترش مذهب رسمی به عنوان قوام بخش نیروهای سیاسی، اجتماعی و نظامی مدنظر بوده است. اما رویکرد مذهبی و ارزشی در سیاست های صفویان دارای دوران اوج و فرودی است که بر اساس آن می توان دوران شاه طهماسب را آغاز و شاه عباس را اوج آن دانست. لذا پرداختن به سیاست های شاه عباس صفوی در این حوزه می تواند راهگشای درک وضعیت چرایی پرداختن به این موضوع کلیدی باشد. تدقیق در نقش مذهب در سیاست های راهبردی و کلان صفویان بخصوص در عصر شاه عباس، از تاثیرات آینده آن نیز پرده برمی دارد و این کنشگری کارزار تحلیلی را به سمت درک بهتر از وضعیت مذهب در ایران سوق می دهد. اما باید توجه داشت که این مسئله در پرتو بررسی دقیق تاریخی امکان پذیر است.

پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع رساله حاضر پژوهشهایی در قالب کتاب و مقاله به رشته تحریر کشیده شده اند و در این رساله مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته اند. در پژوهش های صورت گرفته پیشین علی رغم تاکید و توجه بر ارزش های دینی و نقش آن در سیاست های حکومت صفویه بر مبنای دینی و چگونگی ارتباط آن به صورت ساختاری با سیاست های کلان توجه نشده است. ادبیات پژوهش حاضر بر اساس میزان ارتباط محتوایی پژوهش های پیشین با موضوع مورد نظر، اولویت بندی و سازماندهی شده است؛ به این صورت که ابتدا مطالعاتی که بیشترین همخوانی و نزدیکی مفهومی با مسئله تحقیق دارند، مورد بررسی قرار گرفته اند. هرچند در پژوهش های صورت گرفته پیشین علی رغم تاکید و توجه بر ارزش های دینی و نقش آن در سیاست های حکومت صفویه، بر مبنای دین و چگونگی ارتباط آن به صورت ساختاری با سیاست های کلان توجه نشده است. مهمترین منابعی که مورد بررسی قرار گرفته است چلونگر و کریمی (۱۳۹۲) است که در کتاب **"بررسی و تحلیل وضعیت مسیحیان در زمان شاه عباس اول"**، با بررسی تقلیل گرایانه نسبت به کنش های مذهبی مسیحیان و تاثیر آن بر رویکرد شاه عباس به آن، بصورت عملی زمینه های بررسی های اجتماعی و همچنین توجه به سیاست های کلان را از دست داده است. قاسم زاده و همکاران (۱۳۹۸) در **"رویکرد صفویان نسبت به مذهب در دوره شاه عباس اول صفوی"**، بیشتر به مسائل اختصاصی و شخصی در حوزه صفویه پرداخته و امر اجتماعی را در منابع مورد نظر جستجو نمی کنند. منصور بخت و طاهری مقدم (۱۳۸۹) در **"جایگاه علما در دستگاه قدرت دوره صفویه"**، با تاکید بر جایگاه فقها در امر سیاسی،

ظرفیت های کنشگری علما را در حوزه های کلان مورد سنجش قرار می دهد. کریمی فرد (۱۴۰۱) در "تحلیل واقع گرایانه سیاست خارجی شاه عباس اول در قبال قدرت های بزرگ"، بیشتر با رویکرد تحلیلی در حوزه سیاست خارجی وارد بحث می شود. این امر همچنان که مورد توجه قرار گرفته است بر تاثیر مذهب در حوزه های مختلف از جمله سیاست خارجی اشاره دارد. حافظ نیا و قلی زاده (۱۳۸۶) در مقاله "دولت صفوی و هویت ایرانی"، بر چگونگی شکل گیری هویت ایرانی در عصر صفوی تاکید دارند و سیاست های دوران مذکور را بر اساس کنش های فرهنگی می سنجند. البته امر دینی را نیز در درون مسئله احیای هویت ایرانی تحلیل می نمایند. اگر چه رویکرد سیاستی و اصالت مذهبی در این پژوهش کمرنگ است. اما زمینه های اجتماعی آن امکان تقویت تحلیل در حوزه های موزد نظر پژوهش را دارا می باشد. ذهابی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله "تحلیلی بر بازتاب چرایی و چگونگی ابعاد و وجوه اعمال قدرت سیاسی شاه عباس در روایت های سفرنامه نویسان عصر صفوی"، بیشتر روایت های مربوط به سفر شاه عباس را به تصویر می کشد و قدرت سیاسی شاه را در قالب سفرهای شاه بیان می دارد. از حیث اهداف مذهبی می توان از این پژوهش استفاده نمود.

این پژوهش از حیث توجه به رابطه دین و سیاست در دوران شاه عباس صفوی و همچنین چگونگی پردازش امر سیاسی بسیار حائز اهمیت است.

روش پژوهش و چارچوب تحلیلی

روش تحقیق این مطالعه بر پارادایم تاریخی با رویکردی ترکیبی از تحلیل و توصیف استوار است. این چارچوب روش شناختی با الهام از مکتب تاریخ نگاری تحلیلی، امکان بررسی چندبعدی پدیده های تاریخی عصر شاه عباس اول را فراهم می سازد. در این راستا، پژوهش حاضر از نظریه های تاریخ نگاری جدید بهره می برد که تأکید بر درک زمینه های اجتماعی و فرهنگی در کنار تحولات سیاسی دارد.

انتخاب این روش شناسی خاص ناشی از ماهیت پیچیده موضوع تحقیق است که مستلزم بررسی همزمان عوامل ساختاری و کنش های فردی می باشد. روش تاریخی-تحلیلی به محقق این امکان را می دهد که نه تنها به توصیف رویدادها بپردازد، بلکه شبکه روابط علی و معلولی بین متغیرهای مختلف را نیز مورد کاوش قرار دهد. این رویکرد به ویژه در مطالعه دوره صفوی که در آن دین، سیاست و فرهنگ درهم تنیده شده اند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مبانی نظری

ساختار شناسی سیاست های مبتنی بر ارزش های دینی

در این بخش از پژوهش ابتدا روند ساختاری سیاستگذاری و تصمیم سازی مبتنی بر اندیشه های دینی را به عنوان سازه ای متشکل و منظم خواهیم شناخت و پس از آن روند چگونگی تطبیق آن بر اساس نظریات جامعه شناسی تاریخی را کندوکاو خواهیم نمود. لذا پس از بررسی تشریحی سیاست های شاه عباس صفوی، اکنون زمینه های ساختاری بحث و پس از آن بنیان های اجتماعی آن مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

جایگاه ساختاری ارزش های دینی

ارزش های دینی به دلیل زیرساختی و همه جانبه بودن در عرصه قدرت، جایگاه ساختاری دارند و ساختار ساز و سازه پرداز تلقی می شوند. (کشاورز؛ ۱۳۹۸: ۲۷۰). ارزشها، معیارها یا ملاکهایی هستند که به وسیله آن مردم خوبیه یا بدیه مطلوبیت یا نا مطلوبیت اهداف و اعمال را ارزیابی می کنند. دین می تواند با نشان دادن برخی معیارها و اصول ارزشی در هدایت سیاستگذار موثر باشد و نقش هدایتگر را در تدوین سیاستها ایفا نماید. بر اساس نظریه انتخاب عقلایی محدود سیاستگذار ناگزیر از شناخت این محیط است که از دین متأثر بوده و نقش آفرینی می نماید. بنابراین شناخت، دین ارزشهای دینی و هنجارهای جامعه که بخشی از جامعه و محیطی است که سیاست گذاری در بستر آن صورت می گیرد در جهت دهی و هدایت سیاست گذاران در هنگام سیاست گزینی موثر است؛ زیرا سیاست گذار با شناخت این عوامل به عنوان بخشی از ویژگیهای محیط سیاست گذاری و چگونگی تدوین سیاستهای منطبق بر آن باید سیاست گذاری نماید تا از یک طرف با مخالفت جامعه روبرو نگردد و از سوی دیگر حمایت و پشتیبانی توده ها از آن سیاستها را جلب نماید (نوابی؛ ۱۳۹۲: ۱۰۰).

اما محدودیت های سیاستهای تدوین شده با صبغه دینی ممکن است از جانب اقلیت های دینی و مذهبی با مقاومت روبرو شود. ممکن است این سیاستها با آموزه های دینی آنان در تضاد باشد و یا سیاستها به گونه ای اتخاذ شده باشد که اقلیت های دینی دیگر را شامل نشود. این از آسیب های سیاستهایی است که بر اساس دین و مذهب انتخاب می شود و از آن گریزی نیست. در این موارد در واقع مخاطبین یک سیاست توسط دین و مذهب رسمی یک کشور تحدید میشود. بدین سان دین، سبب محدودیت در رویکردی در سیاست گذاری می گردد که به آن ملاک «دسترسی» به یک سیاست اطلاق می شود. (بهرام نژاد؛ ۱۳۹۸: ۲۰).

دین و آموزه دینی صرفاً به عنوان محدودیت در مسیر سیاست گذاری ظاهر نمی گردد، بلکه همان گونه که می تواند به هدایت سیاست ها پردازد و نقش ارشادی داشته باشد می توان از آن به عنوان عامل وزن دهی به سیاست استفاده نمود

ساختار سیاستگذاری مبتنی بر دین و رویکردهای اجتماعی به آن

هر جامعه ای بر مبنای باورهای سنتی و فرهنگی خاصی بنا شده برخی جوامع سنتی ترند و نقش فرهنگ عجین شده با دین در آنها پررنگ تر است. بدون تردید وقتی از چنین جوامعی صحبت می شود، نمی توان نامی از جامعه ایران نبرد کشور ایران به دلیل فرهنگ و سنت های دیرینه و غنی و نیز باورهای پررنگ دینی سرآمد کشورهایی است که در آنها فرهنگ سنت و باورهای دینی تأثیر پررنگی در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه از خود به جای می گذارد. (سعیدی؛ ۱۳۹۷: ۹۶). یکی از ابتدایی ترین تفاوت های سیاستگذاری در جوامع دینی با جوامع غیر دینی است که سیاستگذار در محیط فرهنگی و اجتماعی این کشورها باید بدان توجه نماید. در سطح کلان نیز درک هر نوع سیاستگذاری نیازمند توجه به ارزشها و تغییر در آنهاست و در سطوح مختلف تجزیه و تحلیل و در سراسر فرایند سیاست گذاری نیز می توان نقش ارزشها را مشاهده کرد و مدعی شد که سیاست های کلان اتخاذ شده در واقع انعکاسی از ارزش های گزینش شده است. **مواضع علما**

در برابر تصوف در دوره شاه عباس

علمای زمان شاه عباس دو رویکرد متفاوت را به تصوف داشتند؛ افرادی نظیر شیخ بهائی، به آشتی و تعامل مسالمت آمیز تمایل داشتند و افراد دیگری همچون شیخ ابراهیم قطیفی (متوفای بعد از ۹۵۱ قمری)) موضعی سخت و خصومت آمیزی را در برابر صوفیان در پیش گرفتند. در قرن یازدهم هجری عده ای از فقیهان به مذهب اسماعیلیه گرویدند و برخی علمای صوفی مشرب نیز همچون ملا صدرا فلسفه مشاء را با تصوف در آمیختند. (امورتی، ۱۳۸۰: ۳۱۱-۳۱۲).

چنین به نظر میرسد که در این دوره، فعل و انفعال درونی نحله های افراطی به نوعی خود نهفتگی انجامید و از این طریق در قالب فرقه های گوناگون مذهبی و با نام های دیگر زنده شد و یا به صورت یکی از شاخه های اصلی جریان عظیم شیعه امامیه رشد یافت. (زرین کوب ۱۳۸۵ : ۲۵۹) اگرچه فقیهان ، محدثان و فیلسوفانی مانند شیخ بهائی میرداماد میرفندرسکی و ملاصدرا گرایش هایی به عرفان و تصوف داشتند، با این حال نظرات و اعمال آنان به معنای حمایت و پذیرش مسلک تصوف و تأیید صوفیان نبود در تحلیل مواضع علمای عهد شاه عباس نمیتوان تمایز دو گرایش آنان را در برخورد با تصوف از نظر دور داشت: نخست گرایشی که تعالیم صوفیانه و جنبه های عارفانه تصوف مربوط به مسائل خدانشناسی را در سطح بالا مطرح میکرد و دیگر موضعی که به طور عمده . ه با درویشان مرتبط بود و آداب ظاهری صوفیانه را مورد حمایت قرار میداد. در بین علمای زمان شاه عباس شیخ بهائی بعضی از آرای صوفیانه را نظیر «ذکر جهر»، یعنی به آواز بلند ذکر گفتن را با فقاقت ترکیب کرد و با همین رویکرد و شیوه بود که در منش صوفیان نیز نظر مینمود هرکجا انحرافی میدید پای پس میکشید و هرکجا دلربایی از دین میدید بدان متمایل میشد . افندی اصفهانی (۱۳۸۹: ۲/۱۴۲) اما وی را نه تنها نمی توان در صف صوفیان جای داد؛ بلکه برجسته ترین فقیه زمان شمرده می شد

و مسئولیت حراست از اصول تشیع را بر عهده داشت. از همین روست که در مقام شیخ الاسلامی اصفهان صوفیان را سزاوار ملامت دانسته در قصه موش و گربه، آنان را به دلیل داشتن عادات مبتذل و خصوصیات نامناسب نکوهش میکرد و سزاوار نام صوفی نمی دانست.

(طاهرپور؛ ۱۳۹۵: ۱۲). بنابراین شناخت دین ارزش های دینی و هنجارهای جامعه که بخشی از جامعه و محیطی است که سیاست گذاری در بستر آن صورت میگیرد در جهت دهی و هدایت سیاست گذاران در هنگام سیاست گزینی موثر است؛ زیرا سیاست گذار با شناخت این عوامل به عنوان بخشی از ویژگیهای محیط سیاست گذاری و چگونگی تدوین سیاستهای منطبق بر آن باید سیاست گذاری نماید (بهرام نژاد؛ ۱۳۹۸: ۵۳).

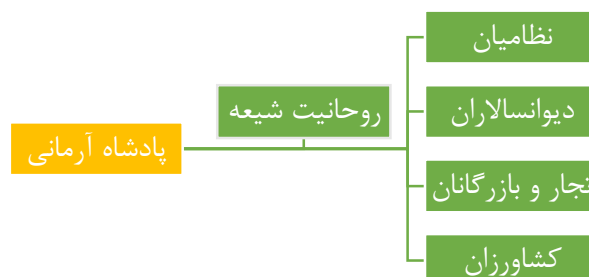
بحث و بررسی

اندیشه سیاسی در دوران صفوی

مفهوم شاه دینی یا همان شاه آرمانی در عصر صفوی در یک معنا تدبیر شده اند به معنای شاهی است که با فره ایزدی و بر مبنای سیاست دینی حکمرانی می نماید. یک ریشه این عبارت به تشیع و ریشه دیگر آن به سنت ایران شهری باز می گردد (سیوری؛ ۱۳۹۸: ۲۰). در دوره صفویه پادشاه یا همان شاه آرمانی مقامی بالاتر از صرف رأس هرم سیاسی کشور است. پادشاه صفوی تنها نقش پادشاهی را ایفا نمی کند بلکه دارای اقتداری معنوی است؛ او مقام خود را با مراسم دینی پیچیده ای تقویت می نماید که با مکان های مذهبی ویژه ای مانند زیارتگاه ها همراه هستند. شاهان صفوی به مثابه نائب و جانشین حضرت مهدی (عج)، در مقایسه با دیگران، به سرچشمه حقیقت مطلق نزدیک تر بود در نتیجه مخالفت با شاه گناهی برای مخالفان بود. آن ها مرشد کامل صوفیان بودند؛ نهاد ارشاد در دست خاندان صفوی بود و شاهان صفوی توانستند بر اطاعت مطلق پیروان صوفی شان تاکید نمایند. با برآمدن صوفیان، شیعه دوازده امامی برای نخستین بار از آغاز اسلام، تمام قدرت سیاسی را در دست گرفت (ابی صعب؛ ۱۳۹۷: ۵۰).

تراث انباشت شده در تاریخ نگاری ایرانی در عصر صفوی، به سیاق سنت ایران شهری، منتج به همراهی و پیوند دین، دولت و قانون گشته که همه این موارد در شخص شاه نمود می یافت. به دلیل تحولات جامعه ایرانی در پس از عهد چیرگی مغولان، تاریخ نگاری ایرانی واجد مفهوم جدیدی از نظریه ایران شهری شد که این بار در برابر نظام جهانی فرمانروایان صحراگرد قرار می گرفت. تاریخ نگاران این عصر کوشیدند میان این دو منظومه معنایی و ساختار نهادی پیوند ایجاد نمایند. جامعه دوران صفوی پنج طبقه برجسته داشت که جامعه را تشکیل می دادند: مردان جنگ (نظامیان)، اهل قلم (کاتبان و دیوان سالاران)، تجار و بازرگانان و کشاورزان. اما در این دوران جامعه روحانیت یا علما طبقه پنجم را تشکیل می دادند. این طبقه به دلیل این درک از جامعه شکل

یافته است که این پیوند میان دو نهاد سلطنت و فقاہت در این هنگامه مبنای مشروعیت بخش استواری را برای شاهان صفوی فراهم می‌آورد (حسینی‌زاده و رضائی‌پناه، ۱۳۹۵، ص ۶۲).



شکل ۱. طبقات قدرت سیاسی - اجتماعی در اندیشه سیاسی دوران صفویان

۱-۱- سیاست ورزی مذهبی شاه عباس صفوی

دوران شاه عباس صفوی به عنوان عصر اوج گیری حکومت صفویان بخصوص در عرصه ورود دین به مسائل سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. این مقوله را می‌توان در حوزه های مختلفی مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در اینجا به صورت مختصر به حوزه های رفتار مذهبی شخصی شاه عباس در قالب کسب مشروعیت دینی در بین مردم می‌پردازیم. او به حضرت علی (ع) ارادت خاصی داشت و دستور داد جواهرات زیادی از قبیل لعل و یاقوت و فیروزه و مقدار زیادی طلا برای صندوق آرامگاه حضرت علی (ع) به کار ببرند و عایدات قسمتی از املاک خود را نیز برای مخارج زوار و خدمتگزاران و طلاب علوم دینی وقف کرد (قاسم زاده، ۱۳۹۸: ۲۰). شاه عباس هرگاه در خراسان بود به زیارت امام هشتم (ع) می‌رفت و کارهای خادمان حرم مانند جارو کشی و خاموش کردن شمع‌ها را انجام می‌داد تا سرسپردگی خود را نشان دهد اعتقاد به هدایتگری قرآن، به گونه ای که قبل از وی انجام هر اقدام مهمی مانند تعیین جانشین به استخاره متوسل می‌شد (فلسفی، ۱۳۷۱: ۸۴۳).

۱-۱-۱ روابط نزدیک با علمای دینی به ویژه علمای جبل عامل

در این دوره نگرش‌های افراطی و غالیانه متصوفه، سرچشمه پیدایش جنبش‌های مذهبی سیاسی مختلفی شد که موجودیت دولت صفوی را به چالش می‌کشید به همین دلیل شاه عباس تقابل علما با عقاید غالیانه تصوف را - که مانعی در گسترش تشیع امامیه بین عموم مردم بود - با زیرکی دستاویزی برای تضعیف و سرکوبی صوفیان قرار داد (رویمر، ۱۳۸۵: ۴۵۰). این شیوه برخورد، هم موقعیت قزلباشان را تضعیف نمود و هم موجب پدیدار شدن طیفی از شریعت مدارانی شد که با تمام توان برای تقابل با تمایلات غالیانه و یا دگراندیشانه، آماده بودند. (۱۰۱-۸۳: J.Stewart، ۱۹۹۶). گذار تدریجی از تصوف به تشیع و جایگزین نمودن علما به جای قزلباشان صوفی را میتوان در موضوع انتساب صفویان به خاندان سیادت و کوشش برای

تبلیغ آموزهای شیعی بازخوانی کرد. (خواندمیر ۱۳۶۲۰ : ۲۶۱). شاه عباس صفوی در دوران سلطنت خود، با علمای جبل عامل، به‌ویژه شیخ بهایی و میرداماد، ارتباطی نزدیک و مؤثر برقرار کرد. علمای مهاجر از جبل عامل، به‌ویژه افرادی چون شیخ بهایی، میرداماد و مقدس اردبیلی، به شاه عباس در تبیین و ترویج تشیع دوازده‌امامی کمک کردند. این علما با ارائه مبانی فقهی و کلامی شیعه و همچنین آموزش آن‌ها در مدارس صفوی، به نهادینه‌سازی مذهب رسمی در ایران کمک کردند (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹). با نفوذ این علما، ساختارهای مذهبی مانند «شیخ‌الاسلام» و «صدر» در سراسر ایران گسترش یافت و قدرت دینی در کنار قدرت سیاسی متمرکز شد. این نهادها به اجرای احکام اسلامی، قضاوت شرعی، نظارت بر روحانیون و هدایت مذهبی جامعه می‌پرداختند (مهدوی، ۱۳۵۰).

۱-۱-۲ سیاست مذهبی شاه عباس با مذاهب

با توجه به حاکم بودن نگرش تشیع بر حکومت صفوی شاید در نگاه نخست این تصور ایجاد شود که صفویه یک دولت متعصب شیعی بوده است که با اقلیتهای مذهبی غیر مسلمان رابطه‌ی خصمانه داشته است ولی بررسی منابع نشان می‌دهد نه تنها عملکرد برخی از شاهان صفوی نسبت به اقلیتهای غیر مسلمان مانند مسیحیت خصمانه نبوده است بلکه در موارد بسیار شاهد رابطه دوستانه شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول با مسیحیان هستیم (کاظمی؛ ۱۳۸۹: ۱۰۱). شاهان صفوی پیش از شاه عباس اول، علاوه بر اخذ جزیه از اقلیت ها، ورود آنان به عرصه های سیاسی اجتماعی را نیز محدود ساختند در عهد شاه عباس اول نوع برخورد او با پیروان سایر ادیان و مذاهب سبب شد تا اقبال آنها به حضور و فعالیت در ایران افزایش یابد و به همکاری با صفویه بپردازند (رویمر، ۱۳۸۵: ۲۰۵). البته شاه عباس با پیروان اهل تسنن به خشونت رفتار می کرد و امتیازاتی که برای شیعیان قائل بود برای سنی ها در نظر نداشت در مواقعی هم که به عللی مالیاتها را تخفیف می داد در فرمان اشاره می کرد که این تخفیف شامل حال اهل تسنن نمی باشد (الهیاری؛ ۱۴۰۱: ۳۰).

در عصر صفویه مسیحیان کمتر مورد آزار و اذیت واقع می شدند به خصوص در عهد شاه عباس که مورد توجه خاصی بوده اند چون بیشتر تجارت خارجی ایران به وسیله مسیحیان انجام می‌گرفت حسن رفتار و رعایت حال؛ مسیحیان باعث توسعه روابط خارجی و بسط تجارت در این دوره گردید (خزائیلی؛ ۱۳۸۷: ۱۰). در این میان ارامنه از مهمترین و بانفوذترین بازرگانان اصفهان به شمار می رفتند و جلفای اصفهان مرکز اصلی سکونت بازرگانان ارامنه بود (رحیم زاده، ۱۳۴۱: ۸۹). در دوران حکومت شاه عباس، شاه صفی و شاه عباس دوم اقلیتهای وضع بهتری داشته اند به خصوص در زمان شاه عباس که تقریباً پیروان همه مذاهب در انجام آداب مذهبی خود آزاد بودند و تسهیلات زیادی برای آنها در نظر گرفته شده بود. هر یک از زرتشتیان در سال به میزان یک مثقال طلا به عنوان جزیه میدادند و از تجار زرتشتی در موقع وارد کردن و صادر کردن امتعه ده درصد به عنوان مالیات گرفته می شد ولی مسلمانان پنج درصد می پرداختند (میچل؛ ۲۰۰۹: ۲۰).

یهودیان در اصفهان و سایر شهرهای ایران محله‌های مخصوص داشتند شاه عباس وقتی درصدد برآمد که یهودیان اصفهان را به قبول دین اسلام وادار کند و دستور داد به هر یهودی که مسلمان شود چهار تومان بدهند جمعی از یهود این پول را گرفتند و به ظاهر مسلمان شدند ولی چون در اندک مدت بر شاه عباس معلوم شد که اسلام آوردن ایشان از ترس و اجبار بوده و ایمان قلبی نداشتند آنان را در دین خود آزاد گذاشت (نیومن؛ ۲۰۰۲: ۲۰).

۲-۱- ساختار سیاست دینی شاه عباس صفوی و رویکرد ایدئولوژیک آن

پس از بررسی ساختار سیاسی دوران صفویان و همچنین رویکردهای شاه عباس صفوی به گروه‌های مختلف دینی و نظریات وی در حوزه سیاستگذاری کلان دینی و ارزش‌های دینی که بر اساس آنها می‌توان تصمیمات راهبردی را ساخت. رویکردهای شاه عباس صفوی به حوزه دین نه تنها در اعمال ظاهری بلکه بر انتصابات و روش شکل‌گیری حکومت او تاثیر بسزایی داشت شاه عباس صفوی به دلیل مقابله با عثمانیان که سنی مذهب بودند مذهب شیعه را در ایران تقویت نمود و همچنین بر مبنای روش‌های قومی و قبیله‌ای و اجدادی خود که صوفیان تلقی می‌شدند. زمینه‌های گسترش تشیع را با رویکرد تصمیم‌سازی راهبردی و همچنین تاثیرگذاری بر رویکردهای کلان سیاسی به سرانجام رسانده است (خیایوی؛ ۱۳۸۱: ۱۰). رواج مذهب شیعه در این دوره به همراه فلسفه سیاسی خاصی مطرح شد دولت صفوی طی دویست و سی سال تنها جهانگیری نکرد بلکه در عوض کوشید تا با جهاننداری نیرومند و جهت دار، خود تمدن ویژه خود را بسازد. (کریمی فرد؛ ۱۴۰۱: ۱۶۱).

شاه عباس که در دوران حکومت خود سعی در نزدیک شدن به شخصیت پادشاه آرمانی را داشت روحانیت شیعه را به عنوان مشاورین خود برای شرعی نمودن سیاست‌ها نصب نمود این انتصابات بر چهار گروه نظامیان دیوان سالاران تجار بازرگانان و کشاورزان تاثیر اساسی داشت لذا طبقات قدرت سیاسی اجتماعی در دوران شاه عباس صفوی به صورت کلان عمده و راهبردی از سوی روحانیت شیعه و احکام فقها هدایت و نظارت می‌شد این هدایت و نظارت نشان دهنده بنیان‌های دینی تصمیمات راهبردی در دوران شاه عباس صفوی است. لذا بر مبنای فرضیه پژوهش که در ابتدای متن عنوان گردید ظرفیت‌های حکومت شاه عباس صفوی بر مبنای تقسیمات دینی صورت پذیرفته است (احمدوند؛ ۱۳۹۵: ۳). شاه عباس اول با چنین ویژگی‌هایی در راستای اهداف سیاسی اش مناسباتش را با علما و فقهای دین تنظیم کرد. وی حاضر به تحمل استقلال نهادهای دینی نبود و نهادهای دینی و به تبع آن علما و فقهای دینی را تابع نهاد سیاسی کرد و با در دست گرفتن زمام امور سیاسی و نظارت بر نهاد دین با انتصاب صاحب منصبان دینی تا حد زیادی از قدرت علما کاست (منصور بخت؛ ۱۳۸۹: ۱۲۳).

شناخت سیاست‌های دینی شاه عباس صفوی و همچنین بنیان‌های ارزشی آن از طریق بازخوردهای اجتماعی نیز قابل شناسایی است به طور مثال احکام حکومتی که شاه عباس صفوی در برخی مساجد نصب نمود که به فرمان شاه معروف است از این قبیل است از سوی دیگر فروپاشی یا تضعیف نظام‌ها و دستگاه‌های اداری و نظامی مرکزی در دوران شاه عباس صفوی و یا تقویت آنها از مسائلی است که به صورت مستقیم به امر اجتماعی باز می‌گردد این امور اجتماعی در جنبش‌های سیاسی اجتماعی نیز بروز و ظهور دارد با توجه به حضور فقها و روحانیت شیعه در مصدر امور که به نظارت و هدایت دیگر بخش‌ها می‌پرداختند زمینه‌های درگیری‌های عقیدتی بسیار کاهش یافته و به اقلیت‌های دینی محدود می‌شود. اما بحث جایگاه یابی در قدرت سیاسی و اجتماعی از جمله اموریست که می‌توان در تنش‌های دیگر آنها را دید به صورت مثال بحث تنش میان نظامیان و روحانیون که در حکومت شاه عباس صفوی به عنوان اولین گروه‌های نزدیک به هسته سخت قدرت هنرنمایی و سیاست ورزی می نمودند (ثواقب؛ ۱۳۹۱: ۱۰). چنین مواردی موجب شد تا برخی فقیهان در خصوص ریشه‌های غیر اسلامی یا غیر شیعی، تصوف شبهاتی را مطرح کنند (Pourjavady ۱۹۹۹: ۶۱۸).

یکی از مهمترین بنیان‌های تاثیرگذاری سیاست دینی در دوران صفویان بحث ترویج ایدئولوژیک تشیع است. این مقوله را در مباحث دیگری مورد توجه قرار دادیم اما بحث ایدئولوژی تشیع در این حوزه بسیار مهم است. در طول تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام بین سیاست قدرت و مذهب همواره رابطه وجود داشته است. ایرانیان همواره مذهب را به عنوان یکی از عناصر مقوم هویت انسجام و یکپارچگی ملت قلمداد می کنند (زرهانی؛ ۱۳۹۴: ۶۷). ایدئولوژی شیعه به عنوان پشتوانه مشروعیت حکومت صفویه قرار گرفت و پیوندهای استواری میان مردم و حاکم برقرار شد. ایدئولوژی شیعی که بنیان اقتدار و مشروعیت حکومت صفویه را شکل میداد بر سه پایه تشیع تصوف و سلطنت بنا نهاده شد. به نظر می‌رسد تشیع نسبت به بقیه عناصر نقش بیشتری را ایفاء نمود صفویان با تلفیق ماهرانه این سه عنصر به قدرت شگرفی دست پیدا کردند که بیش از دو قرن آنها را از هرگونه تهدید و آسیبی حفظ کرد و استقلال و هویت متمایزی با سایر دولتها پیشین در ایران را به آنها ارزانی داشت. ارکان مشروعیت نظام سیاسی بر نظریه سلطنت ایرانی؛ ادعای نیابت امام غایب و مقاوم معنوی مرشد کامل در طریقت صفوی استوار بود. ایران به عنوان یک واحد سیاسی مستقل در دوره صفویه صورت پیش از اسلام خود را بازیافت (عابدینی؛ ۱۳۹۷: ۱۰۶). بر همین اساس امر سیاسی بر مبنای امر دینی شکل گرفته است این امر دینی ساختار ایدئولوژیک دارد که در همین بخش به آن اشاره شد و زمینه‌های ایدئولوژیک آن طبقات قدرت را شکل داده است شکل دهی به طبقات قدرت بر مبنای ساختارهای ایدئولوژیک اندیشه‌ایست که در حکومت صفوی پیگیری شده است و زمینه‌های مقابله‌ای آن در حکومت عثمانی قرار داشت شاه عباس صفوی علاوه بر اینکه ظواهر حکومتی خود را بر مبنای امور دینی بنیان نهاده بود سعی نمود تا ارزش‌های دینی را در مبنای تصمیمات راهبردی خود به تصویر بکشد این امر از ظاهر پادشاه تا تمامی سرحدات کشور ادامه یافت (پیشرو؛ ۱۴۰۱: ۷۶).

۱-۲-۱ سیاست های مبتنی بر دین در سیاست خارجی شاه عباس صفوی

در آغاز قرن دهم هجری قمری، با تشکیل دولت شیعی صفوی تحت رهبری شاه اسماعیل او، شیعه اثناعشری به عنوان مذهب رسمی در ایران قرار گرفت. این اتفاق نقش بزرگی در شکل گیری سیاستهای دینی و برنامه ریزیهای مذهبی دارد که در مدت 250 سال ایجاد شد. این اقدام باعث تضاد با سنی‌گرایی دولت عثمانی شد و درگیری‌های طولانی و خونینی میان این دو کشور را بوجود آورد. مخالفتها و تنشهای بسیاری در آثار تاریخی نوشته شده توسط مورخان عثمانی و صفوی به چشم می خورد. علاوه بر این، علمای دینی عثمانی نیز در این نبرد علیه شیعیان شرکت کرده و احکام تکفیر و ارتداد علیه شیعیان را صادر کردند و اقدام به اعدام شیعیان نمودند (کیانی نیا، ۱۳۹۷: ۲۷۶). با رسمی شدن مذهب شیعه در ایران هویت ایرانیان از سایر مسلمانان متمایز شد و پس از آن تشیع به عنصر تفکیک ناپذیر هویت ایرانی بدل شد. این امر هر چند باعث بقای ایران شد اما در این حال به روابط و مناسبات با کشورهای اسلامی آسیب زد تلفیق عنصر شیعی با عناصر ملی‌گرایی باعث شد فاصله کشورهای اسلامی با ایران روز به روز بیشتر شود و وحدت جهان اسلام به سوی وحدت ایرانی تضعیف گردد (رضایی پناه؛ ۱۳۹۳: ۵۱). تشیع، متفاوت از امپراتوری‌های پیرامون آنروزگار ایران؛ عثمانی، ازبک‌ها و هند، آیین رسمی کشور شد و از پی آن تفاوت‌ها و تعارض‌های نمادین بسیاری میان ایران و جهان عرب و ترکان سنی مذهب متعصب ایجاد شد، که در تمام طول حاکمیت صفویه در قالب جنگ‌های ملی و مذهبی به تناوب استمرار یافت (صفت گل، ۱۳۸۱: ۵۰). در اکثر موارد روابط دو دولت با هم بد بوده و در اکثر موارد درگیر جنگ و نزاع بودند ولیکن دربرخی موارد با جاری شدن قرارداد و عهد نامه‌هایی با هم وارد صلح شده که از آن جمله می‌توان به عهد نامه آماسیه و سلطان پاشا اشاره کرد که سبب شدند سالها بین عثمانیان و ایرانیان با همه بی‌اعتمادی که به هم داشتند در صلح باقی بمانند و این نکته را هم نمی‌توان نادیده رگفت که عثمانیان هیچگاه صفویان را به عنوان پادشاه قبو ننمودند و همیشه حتی در عهد نامه‌ها و تمام اسنادی که فی‌ما بین دو کشور رد و بد شده همیشه از صفویان با عنوان صوفی یا شیخ نام برده شده است ولی به هر حال دوران خالفت با یزید در دولت عثمانی و شاه اسماعیل زیرک در دولت صفوی موثرترین دوره و رابط دیپلماسی بین دو کشور بوده است و این را از نامه‌هایی که بین دو کشور رد و بد شده می‌توان دریافت (گنج، ۱۳۹۷، ۱۲۹-۱۴۶).

۱-۲-۲ نمود سیاست های دینی در سیاست های اقتصادی شاه عباس صفوی

حکومت نسبتاً طولانی شاه عباس شرایطی را فراهم کرد که عموم ارکان قدرت و ثروت در دولت صفوی عصر شاه عباس مطیع و فرمانبر مقام سلطان بودند. به عبارتی در چنین شرایطی رونق اقتصادی، مبادلات بازرگانی فتوحات نظامی، توسعه مشاغل، آزادی‌های عقیدتی، امنیت راه‌ها، ثبات قوانین، اقتدار ارتش، روابط برابر در عرصه بین‌المللی و عدالت نسبی اجتماعی در سیری تدریجی به کمال رسیده بود (جان فوران،

۱۳۷۷ : ۱۱۳) در بعد کلان برنامه ها و تصمیم گیری ها شاه عباس از پتانسیل نیرومند مذهب در تحولات اقتصادی و و تجاری آگاه بود. وی بر خلاف جانشینانش محدودیتها و ممنوعیتها را جابجا می کرد. از تعصبات و تنگ نظری های معمول پرهیز می کرد و نسبت به اقلیتها و عقاید مخالف ظرفیت تحمل بالایی از خود نشان داد شاه تجارت داخلی را به یهودیها و تجارت خارجی را به ارمنی ها داد (تاورنیه، همان ۱۳۶۹، ۵۹۶). به هر ملیتی محله ای داد و جالب تر آنکه هر قومی طبق عرف و سنت خود محاکمات مدنی و جنایی اعمال کرده و دادگاههای شاه دخالتی در امور ایشان نداشتند (دلاواله ، ۴۹۶ / ۱ ، ۱۳۸۰). شاه عباس در راستای اهمیت بخشی به مراکز و اماکن مذهبی بادیدی اقتصادی ، مشهد را به یک مرکز عمده زیارتی شیعه تبدیل کرد و از خروج مقادیر هنگفتی پول که در اماکن مقدس شیعیان در سرزمین بیگانه همچون کربلا و نجف و سامرا- که تحت قیومیت امپراتوری عثمانی بود جلو گیری کرد (سیوری ، ۱۳۷۴ : ۹۷).

گفتمان اقتصادی شاه عباس صفوی مبتنی بر رویکردی مذهب محور بنا شده بود. بطور مثال، روندهای تبیین خط مشی اقتصادی دولت شاه عباس صفوی مبتنی بر نقش علما بود. وقف یکی از نمونه های آن است که در عصر شاه عباس گسترش یافت و عمق کنشگری دین در عرصه اقتصادی شاه عباس را به تصویر کشید. اند.(احمدی؛ ۱۳۹۱:۴۵). اگر چه خود شاهان در زمره بزرگترین واقفان زمان خود بودند و در راستای اهداف سیاسی و مذهبی خود، یعنی اشاعه «فرقه ناجیه اثنی عشریه»، وقف را سرلوحه اقدامات خود قرار داده بودند، اما این اقدامات تحت نام کارهای حکومتی تلقی نمی شد، بلکه در زیر چتر وقف یا خیرات و مبرات و تهیه توشه ای برای آخرت تحقق می یافت.. در غالب وقفنامه های مربوط به خاندان سلطنتی و یا رجال و بزرگان حکومتی و حتی عده ای از مردم عادی، تولیت موقوفه در اختیار سلطان زمان قرار داده شده است (متی ؛ ۵۰:۲۰۰۰). آنان علی رغم حساسیتی که غالباً در انتخاب صدور داشتند و سعی می کردند حتماً ایشان از میان سادات انتخاب شوند از مطلق العنان شدن صدرها نیز هراسناک بودند و برای کاستن از قدرت آنان گاه تدابیری می اندیشیدند حتی اتفاق افتاده است که صدری را به اتهام سوء استفاده از موقعیت و جایگاهش به مرگ محکوم کنند (دریکوندی؛ ۱۳۹۹:۱۲).

یافته ها

آزمون فرضیه های پژوهش و نتایج آن

همانطور که در ابتدای مقاله ذکر گردید، فرضیه پژوهش بر این امر استوار است که ؛

ارزش های دینی به مثابه گزاره های بنیادین و بنحو ساختاری در سیاست های کلان عصر شاه عباس اول صفوی بروز و ظهور داشته است.

اکنون با عنایت به نتایج پژوهش که به آنها اشاره شد. کنشگری دینی به عنوان ساختاری راهبردی و بنیادین قابلیت اثبات دارد. به معنای دیگر ظرفیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر شاه عباس صفوی بر مدار زیربنای دینی و ارزش هایی قرار داشت که ساختار راهبردی عصر شاه عباس را به تصویر می کشیدند. این روند نشانگر این مسئله است که می توان با اطمینان نسبتاً قابل توجهی عصر شاه عباس صفوی را عصر ظهور ارزش های دینی به صورت سازمان یافته و ساختاری در سیاست های کلان مشاهده نمود.

این آزمون در حوزه ارتباط برقرار نمودن فرضیه با تک تک وقایع مورد اشاره در متن قابلیت سنجش دارد. نمود ارزش های دینی در بخش های مختلف حکومت شاه عباس صفوی از جمله مهمترین شاهد مثال هایی است که فرضیه اصلی را مورد تایید قرار می دهد.

سنجش فرضیه ها

فرضیه های این عرصه بسیار حائز اهمیت هستند. اکنون با پرداختن به هرکدام از آنها می توان آزمون اثبات پذیری و ابطال فرضیه اصلی را مورد توجه قرار داد:

۱- سیاست رقابت با عثمانی دلیل اصلی تکیه بر گزاره های دینی در سیاست های کلان عصر شاه عباس اول بوده است.

این رویکرد در تقابل با فرضیه اصلی است و روند آن بر این اساس است که سیاست های دینی معلول تقابل با عثمانی بوده است. در صورتی که بنا بر شواهدی که در پژوهش ارائه گردید، سیاست تقابل با عثمانی ناشی از زمینه های شیعی حکومت ایران بوده است و در کنار آن مسائلی مانند ژئوپلیتیک و امثال آن تاثیرگذار بوده اند.

۲- نفوذ علمای جبل عامل در دستگاه حکومتی دلیل اصلی تکیه بر گزاره های دینی در سیاست های کلان عصر شاه عباس اول بوده است.

در این فرضیه بر حضور پررنگ علما و تاثیر آنها به عنوان علت سیاست های دینی اشاره شده است. حال آنکه در سیاست های مطرح شده در دوران شاه عباس صفوی، روند به این شکل نبوده و شاه عباس هرچند توانست علما را در سیاست های متعددی دخیل نماید و به تثبیت مکتب شیعه دوازده امامی کمک نمودند. اما همواره روحیه کنترل گری بر آنها را حفظ نموده و بر رویکرد سیاست ورزانه خود مبنی بر رابطه مستقیم با ارکان دینی تاکید نموده است.

۳- امر دینی به دلیل فشارهای اجتماعی در بطن سیاست های کلان دوران شاه عباس اول بروز و ظهور داشته است.

تحلیل سیاست فشار اجتماعی به سیستم حکومتی خروجی متعارض با فرض اصلی پژوهش است. استنادات متن اصلی گواه بر این امر است که سیاست های دستوری شاه عباس اول ، متاثر از ارزش های دینی باعث گردید تا جامعه نیز پذیرای ایدئولوژی حکومتی باشد. لذا فرض اصلی در این زمینه مورد تایید است.

۴- ارزش های دینی زمینه ساز تشکیل و تداوم حاکمیت صفوی و تفوق آن بر جامعه عصر خود است.

تقدم ارزش های دینی در حوزه های مختلف سیاسی در دوران صفوی تنها به ابتدای تشکیل سلسله باز می گردد و دوران شاه عباس اول از این حوزه مبرا است. در حقیقت این سیستم سیاسی شاه عباس بود که عمق بخشی به حوزه های دینی را گسترش داد و زمینه رشد سیاسی علما را فراهم آورد. لذا در دوره شاه عباس صفوی گرچه تاثیر و تاثراتی میان ارزش ها و تصمیمات راهبردی وجود داشت اما رویکرد اصلی فارغ از این امر است که در فرضیه اصلی پژوهش عنوان گردیده است.

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش (رویکردی تاریخی)

پرسش اصلی پژوهش مبتنی بر این رویکرد است که ؛

- ارزش های دینی با چه ساختاری در سیاست های کلان دوران شاه عباس صفوی نمود و

تجلی بیرونی داشتند؟

روند تاثیرگذاری ارزش های دینی بر سیاست های کلان دوران شاه عباس صفوی و تجلی بیرونی آن در ارکان مختلف دستوری قابلیت مشاهده دارد که در متن اصلی باتوجه به سیاست های دینی شاه عباس و نموده های آن در رفتار با اقلیت های دینی، رفتار شخص شاه و رویکرد های ایدئولوژیک او، سیاست خارجی و رفتار اقتصادی بررسی شد. اما مدلی که در همین بخش به عنوان تصویر جمع بندی ارائه شده است. بیانگر جامعیت حضور دین در عرصه های سیاست گزارانه عصر شاه عباس صفوی است. لذا در حوزه ساختاری و نمود بیرونی به پرسش پژوهش بصورت مشروح پاسخ داده شده است.

نتیجه گیری

عصر شاه عباس صفوی عصری مملو از سیاست های دینی است که بر اساس اجتهاد علمای دوران خود به تصویر کشیده شده است. این عصر دارای روندهایی متعدد و گوناگون اما با زیربنایی واحد است. این زیربنا ارزش های دینی است که توسط اجداد شاه عباس رویکرد به آن پایه گذاری گردیده و در عصر شاه عباس صفوی به اوج ساختاریافتگی خود دست یافته است. این مقوله می تواند در چارچوب های مختلفی مورد تحلیل قرار بگیرد. در میان پادشاهان صفوی از بدو تاسیس تا پایان آن، شاه عباس اول به عنوان نماد اقتدار و حکمرانی

مستقل شناخته می شود. این پادشاه که رابطه خوبی با علمای جبل عامل و مروجان مذهب شیعه داشت، زمینه رقابت راهبردی با عثمانیان را در برجسته سازی هویت دینی می دانست و از سوی دیگر کنشگری سیاسی خود را بر این مدار ترتیب می داد. در حقیقت نفوذ ساختاری رویکرد مذهبی ولو نمادین در عصر پادشاهی شاه عباس صفوی، نمودار کنشگری فعالانه ارزش های مذهبی در زیرساخت های سیاسی حکومت و جامعه بوده است. در نتیجه بررسی این موضوع می تواند درک عمیقی از وضعیت سیاسی ایران در دوران شاه عباس به دست بدهد و از سوی دیگر با عنایت به بررسی ساختاری این تاثیر، الگوی پژوهشی مناسبی برای مطالعه دیگر اعصار و دیگر فعالیت های سیاسی متأثر از ارزش های مذهبی تا کنون باشد.

با عنایت به مطالب فوق و استنادات و استدلالات مطرح شده در پژوهش حاضر می توان مجدداً بر صحت فرضیه اصلی پژوهش پافشاری نمود که ارزش های دینی به عنوان بنیان های اصلی و ساختار زیربنایی سیاست های کلان و راهبردی دوران شاه عباس صفوی تلقی شده و نمودهای بیرونی متعددی برای آن قابل ذکر است که اصالت امر دینی را جلوه گر نموده است. روند پژوهش حاضر می تواند الگویی نوین برای بررسی روندهای زیربنایی سیاست های کلان حاکمیت ها و حکومت های مختلف در دوران های تاریخی باشد. دوران شاه عباس صفوی به عنوان مطالعه ای موردی توانایی اثبات فرض های مربوطه را با استناد به کنش های اجتماعی و بین المللی دارا است. از این رو توانایی صحت سنجی فرضیه اصلی را فراهم نموده است. در نهایت می توان اینگونه بیان نمود که پژوهش حاضر با بررسی همه جانبه دوران شاه عباس صفوی؛ از بیانیه های حکومتی تا سنگ نبشته ها؛ روندی متقن را در اثبات فرضیه و بررسی ابعاد مهم راهبردی و ساختاری دوران شاه عباس صفوی طی نموده است.

منابع

کتاب

- ابی صعب، رولاجری (۱۳۹۶) *تغییر مذهب در ایران؛ دین و قدرت در ایران عصر صفوی*، ترجمه منصور صفت گل، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱.

- تاورنیه، ژان، پانیست، (۱۳۶۹) سفرنامه ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح جمشید شیرازی، ج ۴، تهران، سنایی،
- خواند میر، (۱۳۳۳) تاریخ حبیب السیر جزء چهار از مجلد سوم، تهران، خیام،.
- دلاواله، (۱۳۸۰) پیترو سفرنامه، ترجمه محمود بهفروزی، ج ۱، تهران، نشر قطره،
- رحیم زاده صفوی، (۱۳۴۱) زندگانی شاه اسماعیل، تهران، نشر خیام،.
- رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۵) ایران در راه عصر جدید، ترجمه: آذر آهنچی، تهران: دانشگاه تهران
- سیوری، راجر، (۱۳۷۴) ایران، عهد صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، (نسخه اول)
- سیوری، راجر مروین (۱۳۸۵) ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی تهران: نشر مرکز
- صفت گل منصور (۱۳۸۱)، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی: تهران خدمات فرهنگی رسا
- فلسفی، نصراله (۱۳۴۲) سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران، سازمان. کتاب های جیبی.
- فوران، جان، (۱۳۷۷) مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، چ اول، تهران، رسا،.
- گنج، ورال (۱۳۹۷) روابط سیاسی و دیپلماتیک شاه اسماعیل او و بایزید دوم بر اساس اسناد عثمانی: ۹۱۱-۹۱۷)، پژوهش های ایرانشناسی، ۸(۱)، ۱۴۶-۱۲۹.
- محسن بهرام نژاد. (۱۳۹۸). مقدمه ای بر شناخت مبانی و زیرساخت هویت سیاسی - ملی دولت صفوی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۹). تاریخ فلسفه در ایران. تهران: انتشارات حکمت.
- مهدوی، مهدی. (۱۳۵۰). ریاض العلما. تهران: انتشارات علمی.

مقاله

- احمدی، زهت (۱۳۹۱). "نهاد وقف در دوره صفوی". مطالعات تاریخ اسلام، ۴(۱۵)، ۵۶-۴۱. SID. <https://sid.ir/paper/221242/fa>
- پیشرو طیب، جعفری علی اکبر و فروغی ابری اصغر (۱۴۰۱). "شئون تعامل فقهای شیعه با یکدیگر در دوره صفویه از دوره شاه عباس اول تا پایان دوره صفویه (۱۱۳۵ - ۹۹۶ ق)". تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ ۱۳ (۴۶): ۷۵-۹۰.

- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۱). "نگرشی بر سازمان سپاه در عصر شاه عباس اول صفوی"، پژوهشنامه تاریخ شماره ۸، <https://civilica.com/doc/1857886>
- چلونگر، محمد علی و کریمی، زینب (۱۳۹۲). "بررسی و تحلیل وضعیت مسیحیان در زمان شاه عباس اول". پژوهش در تاریخ ۸۳-۹۶؛ ۴(۲).
- حافظنیا، محمدرضا، و قلی‌زاده، علی (۱۳۸۶). دولت صفوی و هویت ایرانی. مطالعات ملی ۴(۳۲): ۳-۲۸. (دریافت‌شده از <https://sid.ir/paper/88918/fa>)
- حسینی زاده، محمدعلی و رضائی پناه، امیر (۱۳۹۵). کیفیت بازنمایی اندیشه ایرانی شهری در سنت تاریخ نگاری عصر صفوی (مبانی تکوین دگرباره امر سیاسی)، <https://civilica.com/doc/1565770>
- خزائیلی، محمد باقر (۱۳۸۷). "وضعیت ارامنه ایران در عصر شاه عباس اول". پژوهش نامه تاریخ ۱۰(۳): ۱۹-۱.
- خیایو؛ شهرام (۱۳۸۱). "زعامت اجتماعی شیوخ صفوی و نقش آن در پیدایش دولت صفوی؛ فرهنگ اصفهان؛ بهار؛ ۴ (۲۳).
- دریکوندی، رضا و رنجبر، محمد علی (۱۳۹۹). سیاست اقتصادی شاه عباس اول و زیارت مشهد، <https://civilica.com/doc/1130409>
- ذهابی، مجتبی، الهیاری، فریدون، کجباف، علی اکبر (۱۳۹۸). "تحلیلی بر بازتاب چرایی و چگونگی ابعاد و وجوه اعمال قدرت سیاسی شاه عباس در روایت‌های سفرنامه نویسان عصر صفوی". نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام ۴۷-۶۶؛ ۱۳(۲۵).
- رضائی‌پناه، امیر؛ و قنواتی، نگار (۱۳۹۳). "جایگاه و کارکردهای شاه در گفتمان سیاسی عصر صفوی". تاریخنامه خوارزمی، ۶(۲)، ۶۹-۵۰.
- زرهانی، سیدحسن (۱۳۹۴). "تداوم و نوآوری در اندیشه سیاسی ضیاءالدین برنی و کتاب فتاوی جهاننداری". مطالعات شبه قاره، ۲۴(۷)، ۹۰-۶۷.
- طاهرپورکلانتری، حبیب اله، مناهی، علی، و تقی زاده لشنلو، ترکان (۱۳۹۵). "روش تحقیق تاریخی در علوم اجتماعی. کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی". SID. <https://sid.ir/paper/830049/fa>
- عابدینی مغانکی، مریم (۱۳۹۷). "زمینه های تداوم خاصه سازی در عهد شاه عباس دوم صفوی". تاریخ اسلام و ایران (علوم انسانی)، ۲۸(۳۷) (پیاپی ۱۲۷)، ۱۲۴-۱۰۵.
- قاسم زاده، افتخار و سلیمانی، میثم و محمدی خشکناب، لیلا (۱۳۹۸). "رویکرد صفویان نسبت به مذهب در دوره شاه عباس اول صفوی"، <https://civilica.com/doc/1273124>

- کریمی فرد، حسین (۱۴۰۱). تحلیل واقع‌گرایانه "سیاست خارجی شاه‌عباس اول در قبال قدرت‌های بزرگ". تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ ۱۳ (۴۷): ۱۸۲-۱۶۱.
- کشاورز، زهرا سادات و چلونگر، محمدعلی و منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۶). تبیین و تحلیل نقش طبقات اجتماعی در فرآیند تمدنی دولت صفویه، <https://civilica.com/doc/895320>
- کشاورز، زهراسادات؛ چلونگر، محمدعلی؛ و منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۸). "بررسی ماهیت کارکردی ساختار سیاسی با تاکید بر کارکرد نظام اجتماعی در فرآیند تمدنی دولت صفویه". تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۱۷(۹)، ۲۹۶-۲۷۰.
- منصوبخت، قباد، و طاهری مقدم، سیدمحمد (۱۳۸۹). "جایگاه علما در دستگاه قدرت دوره صفویه" دوران شاه عباس اول؛ شاه صفی و شاه عباس دوم). تاریخ ایران (پژوهشنامه علوم انسانی)، ۶(۶۴/۵)، ۱۲۳-۱۴۴. <https://sid.ir/paper/392330/fa>
- منصورنژاد، ایرج؛ کیانی نیا، رضا و موحد، عبدالعزیز (۱۴۰۲). "بررسی اختلافات مذهبی عثمانیان با ایران در دوره صفویه در سال‌های ۹۰۷-۱۰۰۳ هـ و تبیین ابعاد ژئوپلیتیک آن" فصلنامه جغرافیا برنامه ریزی منطقه ای ۱۳ (۵۲)، ۲۸۴-۲۷۱. doi: 10.22034/jgeoq.2024.218503.231 8
- الهیاری، حسن. (۱۴۰۱). رهیافتی نو به الگوی حکمرانی شاه عباس اول؛ زمینه ها و نمودها. پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، ۱۶(۳۱)، ۲۵-۱. <https://sid.ir/paper/1060596/fa>
- محبوبه سادات بیدگلی. (۱۳۸۷). سنگ نوشته های شاه عباس اول صفوی در مسجدهای شاه اصفهان، میرعماد کاشان، جامع اردستان و جامع دماوند. گنجینه اسناد زمستان ۱۳۸۷ - شماره ۷۲ رتبه علمی-ترویجی (وزارت علوم ۱۰ ISC/صفحه - از ۵۱ تا ۶۰)
- یلفانی، رامین (۱۳۸۶) «برآمدن و افول قزلباشان در عصر صفویه»، پژوهش نامه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد شماره ۷ سال دوم

انگلیسی

- v. Newman، Andrew (..)، **safavid Iran Rebirth of a Persian Empire**، London، New York.
- Colin P. Mitchell. (2009). **The Practice of Politics in Safavid Iran_ Power، Religion and Rhetoric**. London.

- Rudolph P. Matthee. (2000). **The Politics of Trade in Safavid Iran_ Silk for Silver_ 1600-1730**. Cambridge University Press.
- J.Stewart_ Devin (1997)_ **Notes on the Migration of Amili Scholars to Safavid Iran_** Journal of Near Eastern Studies_ Vol:_ No: "_ Apr.
- Pourjavady (1999)_ **Opposition to Sufism in Twelver Shiism**. In Islamic mysticism contested; thirteen centuries of controversies and polemics. Ed "Frederick de jong
Leiden. Brill.
- v. Newman, Andrew (..), **safavid Iran Rebirth of a Persian Empire**, London, New York.
- Morris, Trans (191), **Mulla Sadras midom of the Throne**, Princeton, University of PrincetonTT.